

مشکلات موجود نزد دفاتر اسناد رسمی

وحید رضا مهدوی*

اشاره:

از میان مشکلاتی که سران دفاتر اسناد رسمی در حیطه کار و مسؤولیت خود با آن مواجهه‌اند، بخشی را همکار ارجمندمان در چندین مقاله کوتاه برای مجله ارسال داشته‌اند که به تدریج به چاپ خواهیم رساند، امید که در بیان مشکلات و نیز راه حل یابی آن، دیگر همکاران از یاری و بازگو دریغ ننمایند.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سردفتر یا غیب دان؟!۱

یکی از مسائلی که سران دفاتر اسناد رسمی با آن مواجه هستند، خطراتی است که به واسطه صدور بخشنامه‌های فراوان روزمره و وجود بعضی از قوانین کهنه و بلا اقتضا در کمین آنان می‌باشد. و متأسفانه به مرور زمان بنا به قوانین و مقرراتی بدون مراعات نمودن اصل و قاعده تقسیم کار و رعایت تخصص بر دفاتر اسناد رسمی تحمیلاتی واقع گردیده که خارج از محدوده تکالیف اولیه آنان است. و بنا به قاعده منطقی، دفع و رفع خطر احتمالی که آن را عقلاً واجب و ضرور دانسته‌اند، اما در این قضیه چون دفع چنین خطراتی عملاً امکان‌پذیر نیست، بنابراین عقلاً باید به دنبال دستیابی به عوالمی دیگر باشیم. برای اجتناب از اطاله کلام توجه می‌دهد که برابر مقررات جاری هرگاه سردفتر هنگام تنظیم اسناد مراجعین، در هویت متعاملین یا طرفی که تعهد می‌نماید تردید داشته باشد، باید دو نفر از اشخاص معروف و معتمد، حضوراً هویت آنان را تصدیق نمایند.

البته در خصوص احراز هویت و چگونگی آن و مشکلات موجود در این رهگذر، پیشتر دیگر همکاران ارجمند، قلم فرسایی نموده و حق مطلب را ادا فرموده‌اند، اما شایان ذکر است که چون در جامعه کنونی و با این همه سهولت تردد و حضور افراد در سرتاسر کشور و نیز وسعت شهرها و اقبال به شهرنشینی و تبعات ناشی از آن و رُتوش کردن عکسهای الصاقی به شناسنامه‌ها و مفقود شدن یا سرقت شناسنامه‌های سفید و مهر دوایر ثبت احوال و جعل شناسنامه‌ها و... حصول یقین در هویت اصحاب معامله برای سردفتر کاری دشوار است، لیکن از آنجایی که این یقین علم اجمالی و در حد

عرف شغلی می‌باشد، آنچنان سخت نیز نیست. چون سران محترم دفاتر بخصوص در طی سالیان متمادی کار، غالباً اصل را از بدل تشخیص می‌دهند و شاهد این مدعا، همان تجربیات و خاطراتی است که نزد ایشان می‌باشد. و لیکن اگر یقین مطلق مدّ نظر باشد و علم اجمالی را جهت احراز هویت کافی ندانند، کار بسی دشوار و غیر قابل انجام خواهد بود. و از آنجایی که تکلیف، رابطه مستقیمی با وسع مکلف دارد حتماً باید علم اجمالی را جهت احراز هویت بپذیرند و با قائل شدن به این امر اگر تردید در هویت اشخاص، غالب بر یقین اجمالی شد، سردفتر باید دو نفر معروف معتمد را جهت تصدیق هویت طرف معامله مطالبه نماید. در این حالت کمتر اتفاق می‌افتد که کسی هم در نزد سردفتر معروف باشد و هم معتمد برای طرف معامله. و با این وصف آیا با توجه به تجربیات تلخی که مردم جامعه از ضمانت کردن و یا معرف بودن به دست آورده‌اند، این امر به سادگی امکان‌پذیر است؟

از احراز هویت و معرف و معتمد که بگذریم باید ببینیم که اصحاب معامله برابر بخشنامه‌های صادره آیا جزو اشخاص محجور هستند یا نه، که این امر خود مستلزم صرف وقت و اعمال دقت زیاد است. از این هم که بگذریم باید ببینیم آیا اسناد و تسلسل اسناد موجود در نزد اصحاب معامله (مثلاً سوابق معاملات یک اتومبیل) جزو اسناد مفقودی و یا سرقتی اعلام شده از دفاتر اسناد و یا ادارات ثبت اسناد می‌باشد یا نه؟ و گذشته از این، آیا شناسنامه‌های اصحاب معامله فعلی و ایادی قبلی در فهرست شناسنامه‌های مفقودی و یا سرقتی هست یا خیر؟ و دیگر اینکه آیا سند مالکیت جزو اسناد مالکیت مفقودی و یا مسروقه است یا نه؟ و نیز سند و تسلسل اسناد از چه دفاتری صادر گردیده و در کدامین دفترخانه تنظیم گردیده‌اند، آیا مهر آن دفترخانه به سرقت نرفته و یا اینکه اصحاب معامله جزو افراد ممنوع معامله یا از اقارب درجه اول افراد ممنوع معامله نیستند؟ باید بدانیم یا بیابیم که مورد معامله، بازداشت و یا توقیف نشده باشد. و...

تمامی این مسائل را سردفتر باید بداند و بدانها آگاهی و علم داشته باشد وگرنه

مسئول مستقیم خواهد بود و در ورطه خطر کشانده می‌شود. و چون عملاً هیچ سردفتری نمی‌تواند این همه مطالب آماری و اطلاعاتی را موقوف و محفوظ باشد، ناچار باید به عوالم دیگر دسترسی یابد! چرا که تمیز این همه مسائل و عدم شمول اصحاب معامله و مدارک و سوابق مورد استناد به آن موارد چیزی فراتر از یک شغل است و اگر سردفتر را غیب دان نپنداریم به نظر می‌رسد که تا ۹۰ درصد اسناد مراجعین قابلیت تنظیم نخواهد داشت؛ یعنی سردفتر با دستیابی به سیستم‌های رایانه‌ای هم نمی‌تواند تمامی این مسائل را کشف کند. (با تذکر به این نکته که اکثر دفاتر اسناد رسمی در سطح کشور فاقد چنین سیستم‌هایی هستند) به دلیل صرف وقت بسیار، روزانه در عمل بیش از یکی دو سند نمی‌شود تنظیم نمود.

اما با توجه به آمار اسناد تنظیمی دفاتر اسناد رسمی درمی‌یابیم که روزانه چه خطرانی سردفتر را تهدید می‌کند. و باید این احتمال را قوی بدانیم که یک سردفتر در طول مدت خدمت خود در این سمت بایستی منتظر درگیر شدن و روبه‌رو شدن با عواقب این خطرات باشد. خطری که می‌تواند تمام اعتبار و آبرو و سرمایه او را به ورطه نابودی بکشاند.

آیا واقعاً نمی‌شود طریقه‌ای را در پیش گرفت که مسؤولیت سران دفاتر اسناد رسمی برابر عرف و مقررات اسلامی در حدود وسع آنان باشد؟ آیا واقعاً باید تمامی مسؤولیتها را به دوش یک فرد گذاشت؟ آیا تخصص و علم و معلومات سردفتر باید در راه یافتن و کشف جرایم و شبه جرایم صرف گردد؟ آیا سردفتر مسؤول کشف جرم است؟ چرا سردفتر باید مسؤولیت تخلف و تخطی متعاملین را به دوش خود داشته باشد؟ آیا واقعاً سردفتر می‌تواند برابر بخشنامه‌ای که به او ابلاغ شده متهمی را که تعرفه شده است دستگیر نموده و به پاسگاه انتظامی، آن هم در تهران تحویل نماید؟

از گذشته تا به حال، امر در خصوص سردفتران به تدریج مشتبه گردیده و کار بدانجا رسیده که از سردفتر می‌خواهند تا شخصی را با این مشخصات در صورت مراجعه دستگیر نماید. تشخیص قرابت بین متقاضی تنظیم سند با شخص ممنوع معامله و از

این دست امور، مددی از عالم غیب را می‌طلبد. آیا سردفتر نعوذ بالله عالم به غیب است؟! اگر کسی به تمامی سوالات مذکور بی‌اعتنا باشد و نخواهد پاسخ درست نزد خود دهد لاف‌باز به تنها سؤال ذیل نزد وجدان خویش جوابی درست بدهد که آیا خود وضع‌کنندگان این قوانین و صادرکنندگان این گونه‌بخشنامه‌ها و انعکاس‌دهندگان این نامه‌ها می‌توانند حتی یک روز چنین مسؤولیتی خطیر را بر عهده بگیرند؟ مگر سردفتر مافوق بشر است؟!



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عدم امنیت شغلی

یکی دیگر از مصائب و مشکلات موجود نزد دفاتر اسناد رسمی فقدان امنیت شغلی سردفتران است؛ به تعبیر دیگر، هر شخصی که در مشاغل اداری و یا وابسته به یکی از سازمانها و قوای مملکتی و یا نظامی و انتظامی مشغول آرایه خدمت می‌گردد، به تناسب مسؤولیتهایی که بر عهده وی گذاشته می‌شود، قانون از او حمایت می‌نماید و این امری است منطقی که در انجام امور محوله، شخص دارای امنیت باشد. این موضوع علاوه بر حسن انجام وظیفه باعث دلگرمی مجری امر و مصون ماندن وی از دست متعرضان می‌گردد. شایان ذکر اینکه اعطای این امنیت عموماً به موجب قوانین واقع می‌گردد و هر کجا که قانون تکالیفی را بر عهده شخصی محول می‌دارد معمولاً آن شخص را در اجرای نقش و تکالیفش مصونیت می‌بخشد. مثلاً هرگاه کسی با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان حمله و یا مقاومتی معمول دارد، با عنایت به ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی، لااقل به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌گردد.

حال اما سردفتر را نمی‌توان در انجام تکالیف خود مأمور دولت دانست و مقایسه او با مأمورین دولتی شاید به زعم بسیاری، قیاس مع الفارق باشد. ضمن توجه به این نکته که سردفتران اسناد رسمی در مقام این خدمات خود نقش بسزایی در جامعه دارند، به وضع دیگر وابستگان قوه قضاییه من جمله قضات و وکلای محترم دادگستری اشارتی می‌نمایم:

به استناد ماده ۲۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب ۱۳۳۳ شمسی «هرکس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن

توهین نماید به حبس تأدیبی از ۱۵ روز الی ۳ ماه محکوم خواهد گردید»، همچنین برابر تبصره ۳ ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی، مصوب ۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام «وکیل در موضوع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می‌باشد» و این بدان معنا است که وکلای محترم دادگستری در مقام دفاع از موکل خود دارای مصونیت شغلی می‌باشند و نیز حسب ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی «هرکس با توجه به سمت... قضات... در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود» یعنی قضات محترم نیز در مقام قضاوت واجد مصونیت شغلی هستند. به عبارت دیگر، قضات و وکلای دادگستری نه تنها در مقام انجام امور محوله واجد مصونیت‌اند، بلکه اگر به سبب امور محوله نیز مورد توهینی واقع شوند قانون از ایشان حمایت خواهد نمود.

حال این مسأله در رابطه با سران دفاتر اسناد رسمی چگونه است؟ آیا سران دفاتر نیز مانند قضات و وکلای دادگستری از چنین مصونیتی برخوردار هستند یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال باید بیان داشت که متأسفانه نه تنها این وابستگان قوه قضاییه از چنین حمایت‌های قانونی برخوردار نیستند بلکه با وجود مقرراتی دیگر، عدم امنیت شغلی سردفتر تقویت گردیده است. به دیگر سخن، می‌توان گفت نه تنها سردفتر در مقام انجام امور محوله و یا به سبب آن حمایت قانونی نمی‌شود بلکه هر لحظه در مقام انجام امور محوله و یا به سبب آن به عناوین مختلف تهدید می‌گردد. برای آنکه قدری این معنا در اذهان خوانندگان محترم این سطور روشنتر شود، به بند ۶ از ماده ۲۹ آیین نامه ماده ۳۷ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ شمسی استناد می‌نمایم.

با اتمام به بند موصوف، گاهی سردفتری در مظان اتهام قرار گرفته و ارباب رجوعی مدعی تحقق مراتب مقرر در این بند می‌شود و چون عموم سران دفاتر آموخته‌اند که به قاعده رفق و مدارا با ارباب رجوع رفتار نمایند، این سردفتر است که باید پا پیش گذارده و از مدعی طلب عفو نماید. همکاران محترم نیز بارها شاهد بوده‌اند

که مراجعین با هتک حرمت و حیثیت و به کارگیری الفاظ نامربوط به سردفتر توهین می‌نمایند. سردفتر نیز بنا به مراتب گفته شده جز صبر و شکیبایی ندارد و حتی این حوصله خارج از توان، گاهی مورد تعجب و پرسش کارکنان و مراجعین حاضر می‌شود اما آنان آگاهی ندارند که سردفتر مجبور و ناچار به تحمل است و هیچ قانونی به صراحت تأمین امنیت وی را نمی‌نماید.

همان طوری که اشارت رفت سران محترم دفاتر بنا به قاعده رفق و مدارا و صبر و بردباری سعی در آن دارند تا رضایت ارباب رجوع را فراهم و تحصیل نمایند اما گاهی اوقات کار از عهده صبر و بردباری نیز خارج است و دفترخانه میدانی برای هتک حرمت می‌گردد، جداً باید ترتیبی اندیشید که حیثیت سردفتر در قبال اشخاص هتاک و فحاش دست کم حمایت گردد.

جالب توجه اینجاست که عدم امنیت شغلی سران دفاتر و ظهور این مقوله به عملکرد بعضی از مسوولین رسمی هم وابسته است.

دیده شده در حوزه قضایی شهر (الف) شخصی از وکیل سند وکالت فروش تنظیمی دفترخانه شهر (ب) شکایتی تسلیم داشته و قاضی محترم پرونده با ارجاع امر به نیروی انتظامی دستور به تحصیل مدارک و انجام تحقیقات لازمه و احضار سردفتر تنظیم کننده سند و... می‌دهد. و نیروی انتظامی شهر (الف) نامه‌ای به این عنوان برای سردفتر حوزه ثبتی شهر (ب) می‌نویسد:

به: سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره... شهر...

از: نیروی انتظامی شهر... (آگاهی)

موضوع: احضار

بنا به دستور قضایی مورخ..... صادره از ناحیه قاضی محترم شعبه..... دادگستری..... جهت ادای توضیحات در ساعت..... روز..... مورخ..... در این یگان حاضر گردید. بدیهی است عدم حضور شما در وقت مقرر منتهی به جلب شما می‌گردد.

مطمئناً می‌توانید حدس بزنید که سردفتر گیرنده نامه چه حالی خواهد داشت هنگامی که نامه را می‌خواند! در این قضیه چون شاکی پرونده، علیه شخص سردفتر شکایتی مطرح ننموده، احضار سردفتر آن هم بدین طریق جای تعجب و گله بسیار خواهد داشت. و اگر قرار باشد هر سردفتر به واسطه وقوع اختلاف بین متعاملین، جهت ادای توضیحات و پاسخ به سؤالات احتمالی از شهری به شهر دیگر احضار گردد، پس تکلیف انجام تکالیف محوله چه خواهد بود؟ آیا واقعاً برابر مقررات باید سردفتر را بدین گونه به شهر دیگری احضار نمود؟ آیا نمی‌شود به طریق محترمانه و آنهم با اعطای نیابت قضایی اخذ توضیحات نمود؟ آیا سردفتر باید جهت پاسخگویی به این گونه سؤالات که: چرا این سند را تنظیم کردی؟ آیا مدارک قانونی اخذ شده یا نه؟ آیا وکیل را احراز هویت نمودی یا خیر؟ آیا وکیل را می‌شناسی یا نه؟ و آیا... محل کار خود را ترک کند و صبح در پاسگاه مانند متهمی حاضر و پس از سپری شدن ساعتها انتظار، بازخواست و مؤاخذه شود و بعد تعهد بسپارد که هر وقت احتیاج به اخذ توضیحات دیگر باشد ملتزم به حضور خواهیم بود.

آیا واقعاً با توجه به حجم معاملات مردم و ارجاع کار به دفترخانه‌ها و وجود بزهداران معاملاتی، جای آن نیست که قدری به امنیت شغلی سردفتر پرداخته شود و با وضع مقررات و قانون در راستای تأمین امنیت این زحمتکش‌ها باشند و حرمت و حیثیت آنان را در پناه قانون مصون بدارند. حال اگر در فکر تأمین این امنیت هم نباشند، لااقل خود، بانی هتک حرمت و حیثیت سردفتران نیز نباید شد. و مصداق فرمایش افصح المتکلمین است که فرمود: «همه از دست غیر نالند، سعدی از دست خویشان فریاد».

سابق بر تصویب قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۵۴ یکی از مجازاتهای انتظامی سردفتران برابر بند ۲ ماده ۴۲ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۶، «توییح با درج در مجله رسمی» بوده، اما هنوز هم با وجود ماده ۳۸ قانون

مذکور و نسخ صریح قانون پیشین دیده می‌شود که گاهی با معرفی اسم و رسم سردفتر متخلف و نوع مجازات وی، شأن وجودی این شغل محترم در انظار عمومی تنزلی بس فاحش می‌گیرد.

پیش از این در مقابل سؤال راجع به این بی‌مهری گفته می‌شد که این نشر و انتشار جهت اصلاح ایشان است. اما آیا واقعاً چنین نتیجه‌ای مفروض است؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نیاز به کارآیی بیشتر کانون

همان گونه که خوانندگان محترم این سطور آگاهند، پس از تشکیل دفاتر اسناد رسمی برابر مقررات موضوعه، وجود نهادی که متکفل اموری در رابطه با دفاتر مرقوم باشد حس گردید و مقنن در قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۵ خرداد ماه سال ۱۳۱۶ مبادرت به خلق کانون سردفتران نمود و در فصل دوم در مبحث تشکیلات دفترخانه و کانون سردفتران به تبیین چگونگی تشکیل و تشکل کانون مرقوم پرداخته و آن را کانون سردفتران نامید. پس از گذشت چند سال از تأسیس دفاتر اسناد رسمی در کشور و توسعه و گستردگی دفاتر چه از نظر تعداد و چه از لحاظ پراکندگی آن انتظام بخشی به امور دفاتر اسناد رسمی و حمایت از دفاتر مرقوم در قالب نهاد کانون بیشتر از پیش مورد توجه و اهتمام قرار گرفت. و بدین جهت مقنن در ۲۵ تیر ماه سال ۱۳۵۴ قانون تصویبی را به «قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران» معنون داشت و از همین نام گذاری پیداست که در این قانون اهمیت بیشتری به این نهاد داده شده است. فصل ششم قانون مرقوم به کانون سردفتران و دفتریاران اختصاص یافته و از ماده ۵۸ لغایت ۶۸ تشکیل و شخصیت حقوقی، استقلال مالی و نحوه اداره آن، شیوه انتخاب هیأت مدیره، نظارت در انتخابات و شرایط انتخاب اعضای هیأت مدیره، طرز تشکیل هیأت نظارت و نحوه عمل و اخذ رأی، خصوصیات اعضای هیأت مدیره و نیز زمان تصدی اعضا و همچنین نحوه انتخاب رئیس و نایب رئیس و خزانه دار و دبیر هیأت مدیره و وظایف کانون، در آن مذکور افتاده است. اما آنچه موضوع بحث ما را در

این مقال تشکیل می‌دهد، نیاز و احتیاج به کارایی بیشتر کانون سردفتران و دفترباران است.

همان طور که همکاران ارجمند مطلع می‌باشند در ماده ۲۹ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ وظیفه کانون سردفتران منحصر به دو مورد بوده است: یکی تهیه دفترباران برای سردفتری و فراهم کردن موجبات ترقی علمی و عملی سردفتران درجه دوم و سوم، و دیگری راهنمایی و کمک به اشخاص بی بضاعت برای تنظیم و ثبت اسناد آنها. لیکن پس از تصویب قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران در سال ۱۳۵۴، ماده ۶۶ قانون مرقوم در هشت بند وظایف کانون سردفتران و دفترباران را اعلام نمود که ذیلاً به آنها می‌پردازیم:

۱- فراهم کردن موجبات پیشرفت علمی و عملی سردفتران و دفترباران.

با این توضیح که این بند با قسمت دوم بند اول ماده ۲۹ قانون منسوخه شباهت زیادی دارد و باید اشارت داشت که کانون در اجرا و ایفای این تکلیف خود از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۴ با انتشار ماهنامه کانون در این راستا حرکت نمود، اما با تصویب قانون مجری از انجام این وظیفه خود تا شهریور ماه ۱۳۷۶ کناره گرفت.

۲- ایجاد وحدت رویه در جهت اجرای مقررات و نظامات در دفاتر اسناد رسمی با تأیید سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. شایان ذکر این که کانون از هنگام تصویب این وظیفه تا کنون سعی و تلاشی در جهت ایجاد وحدت رویه نموده اما با توسعه دفاتر اسناد رسمی در سراسر کشور و به تبع آن وجود و ایجاد سلیقه‌ها و استنباط‌های مختلف و وضع قوانین و مقررات بیش از پیش و توسعه روزافزون نظام اداری در جامعه و ارتقای سطح علمی و معدل دانش افراد اجتماع سعی و تلاش کانون کم رنگ جلوه نموده است و لازم می‌نماید در این خصوص مساعی بیشتری مبذول گردد و چقدر زیباست که کانون محترم در اجرای این وظیفه خود به تدوین و تألیف کتابهایی دست زند.

۳- اداره امور مالی کانون از قبیل تنظیم بودجه، وصول درآمدها، پرداخت مخارج، تهیه ترازنامه.

۴- کمک به اشخاص بی بضاعت از طریق راهنمایی آنان به دفاتر اسناد رسمی به منظور تنظیم و ثبت اسناد آنها بدون دریافت حق التحریر.

۵- انجام دادن امور مربوط به بیمه بازنشستگی و صندوق تعاون سردفتران و دفتریاران موضوع مواد ۵۶ و ۵۷ و ۶۸ این قانون.

در این باره باید اذعان داشت که پس از سالیان دراز سردفتران و دفتریاران در قبال پرداختیهای خود به عنوان حق بیمه، دو- سه سالی است که از این نعمت و حق مسلم خود بهره‌مند گردیده‌اند و کانون سردفتران و دفتریاران با انعقاد قرار داد بیمه به این وظیفه خطیر که متروک مانده بود، عامل گشته است. و اگرچه حدود ۲۰ سال این قشر عملاً به واسطه تساهل موجود از حقوق حقه خویش محروم بوده‌اند اما اکنون جای آن دارد که در این مجال از تهیه و صدور دفترچه‌های خدمات درمانی برای سردفتران و دفتریاران و افراد تحت تکفل ایشان قدردانی گردد. شایسته است تا کانون نقایص موجود در این رابطه را نیز در کمترین زمان ممکن مرتفع سازد.

در رابطه با صندوق تعاون سردفتران و دفتریاران نیز اگر سران محترم دفاتر اسناد رسمی و دفتریاران محترم مقیم تهران اطلاعی از این صندوق داشته باشند، سردفتران و دفتریاران محترم شهرستانی غالباً بی اطلاع از موضوع صندوق تعاون و چگونگی خدمات ارایه شده از ناحیه آن می‌باشند. پس شایسته است کانون محترم جهت بهره‌مندی تمامی اعضای این صندوق، نحوه عملکرد صندوق و نیز نحوه استیفا و استفاده همکاران را با صدور اطلاعیه و ارسال آن هر از چند گاهی به اطلاع ایشان رسانده و جهت سهولت بهره‌مندی اعضای آن مقررات موجود را تعدیل نماید.

درباره پرداختی بازنشستگی به سردفتران و دفتریاران و عائله ایشان نیز شایسته است از سعی و همت و حمیت کلیه دست‌اندرکاران و ارایه پیشنهاد تغییر در پرداختی

بازنشستگی تقدیر و تشکر گردد. البته به نظر می‌رسد با توجه به میزان پرداختی دفاتر از این بابت و مقدار استفاده‌ی ایشان از حقوق بازنشستگی هنوز هم با رقم مطلوب و مکفی فاصله موجود است.

۶- همکاری با سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در بازرسی و نظارت در امور دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق، در هر مورد که کانون از تخلف و یا سوء شهرت سردفتر یا دفتراری اطلاع حاصل کند باید پس از رسیدگی مقدماتی مراتب را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گزارش دهد.

۷- تنظیم و تصویب آیین نامه استخدامی کارکنان دفاتر اسناد رسمی.

۸- رسیدگی به اختلافات ناشی از روابط شغلی میان سردفتر و دفتریار و اعلام نظر قطعی کانون به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جهت اتخاذ تصمیم لازم.

بنابراین با نگاهی به وظایف مصرح در قانون فعلی درمی‌یابیم که مقنن واقعاً نقش و وظیفه بیشتری نسبت به وظایف مندرج در قانون پیشین بر عهده کانون گذاشته و انتظارات زیادتری از این نهاد داشته و دارد و اکنون با گذشت حدود ۲۵ سال از هنگام تصویب قانون مجری و توسعه کمی و کیفی دفاتر اسناد رسمی به نظر می‌رسد کانون تحولی کمی و کیفی را در جهت کارایی بیشتر می‌طلبد. مثلاً اقتضا دارد همان گونه که در ماده ۵۸ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران آمده لااقل در مراکز استان با توجه به تعداد دفاتر اسناد رسمی و سایر مقتضیات محلی، کانون سردفتران و دفتریاران تحت نظارت قوه قضاییه تشکیل گردد. تا بدین سان جوامع سردفتران و دفتریاران و ارباب رجوع و وظایف محوله به کانون، بهتر و شایسته‌تر برآورده شود و به انجام رسد و در عمل کارایی بیشتر از کانون مرقوم مشاهده شود.

نتیجه

کانون سردفتران و دفتریاران از بدو تأسیس خود همانند هر تشکلی فراز و فرودهایی داشته و عملکرد آن در ادوار مختلف دستخوش تغییراتی بوده است، ولی

آنچه که باید اذعان داشت اینکه قریب به چهار سال است که کانون سردفتران و دفترباران به سمت انجام وظایف قانونی خود گام برداشته و بیش از گذشته در صدد قیام به تکالیف خود می‌باشد و حال که تحولی در ارکان مدیریت قوه قضاییه و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور واقع گردیده و در این مدت اندک لااقل دفاتر اسناد رسمی پیامدهای تغییر مدیریت را احساس نموده‌اند، انتظار می‌رود کانون سردفتران و دفترباران از این دگرگونیها در جهت افزایش فعالیت و انجام بهتر نقش خود بهره‌مند گشته و به همت و اهتمام ریاست معظم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اوراق زرین دیگری در تاریخچه خود به یادگار گذارد.

